

بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلاف‌ها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه

محمد عسکری کرمانی (نویسنده مسئول)^۱
حسین معین آبادی بیدگلی^۲

چکیده

مجموعه امنیتی خاورمیانه یک مجموعه امنیتی خاص و پیچیده است و در دل آن ائتلاف‌هایی وجود دارند که به دلایل مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی و ایدئولوژیک دچار اختلاف هستند. هدف اصلی پژوهش بازنشاسی مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر چیستی و چگونگی ائتلاف‌های سازنده با نگاهی ویژه بر وضعیت نقش آفرینی ائتلاف محور مقاومت است. بر این اساس پرسش‌های اصلی این پژوهش بدین گونه است که چه ائتلاف‌هایی در مجموعه امنیتی خاورمیانه وجود دارند؟ و ائتلاف محور مقاومت چگونه در مناسبات امنیتی مجموعه خاورمیانه نقش آفرینی کرده است؟ (مسئله) بر مبنای روش تحلیلی-توصیفی (روش) فرضیه‌های مقاله مبتنی بر آن است که ائتلاف‌های مجموعه امنیتی خاورمیانه با یکدیگر تعامل ندارند، همگن نیستند و مدام یکدیگر را تهدید می‌کنند. ثانیاً محور مقاومت با اثرگذاری مثبت در هر یک از تحولات جریان ساز خاورمیانه زمینه‌ساز کسب اعتبار امنیتی-سیاسی برای خود بوده است. (فرضیه) یافته‌های پژوهشی حاکی از شناسایی سه ائتلاف عمده در مجموعه امنیتی خاورمیانه شامل: ۱) ائتلاف محور مقاومت (۲) ائتلاف بلوک سنی (۳) ائتلاف دفاکتو عبری-عربی است. نهایتاً در خصوص محور مقاومت باید گفت که این ائتلاف به دلیل تأثیرگذاری مثبت در هر یک از تحولات اخیر خاورمیانه منافع مدنظر خود را تأمین نموده و در آرایش سیاسی-امنیتی مجموعه تأثیر شگرفی نهاده است. (یافته‌ها)

واژگان کلیدی: خاورمیانه؛ مجموعه امنیتی؛ ائتلاف؛ تهدید؛ محور مقاومت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

ali1997rrr@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0001-7693-2267>

۲. دکتری علوم سیاسی، مساتل ایران، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

مقدمه

منطقه خاورمیانه^۱ به عنوان حلقه اتصال سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا محسوب می شود و از جمله مناطق بسیار مهم و استراتژیک در چرخه قدرت جهانی است که دارای منابع عظیم متفاوتی نیز هست. خاورمیانه به عنوان قلب اوراسیا از لحاظ ژئوپلیتیکی^۲، محل عبور مسیرهای زمینی و راه آهن و هوایی بخش عظیمی از جامعه بین المللی به حساب می آید. وجود این منابع بدیع از یک سو منجر به دخالت قدرت های خارجی در این منطقه شده و از سوی دیگر حضور این قدرت های خارجی در دهه های گذشته نوعی شبه استعمار را به دنبال داشته است. همچنین عمده دولت های این منطقه در سیاست خارجی نگاه رقابت آمیز و غیر دوستانه ای نسبت به همسایگان خود در پیش گرفته اند که این امر منجر به ایجاد دور باطلی از رقابت های منطقه ای و تشدید دشمنی ها شده و متعاقب خود کاهش فضای همکاری جویانه در خاورمیانه را رقم زده است. این وضعیت نوعی پیوند امنیتی را میان دسته بندی های مختلف در کشورهای این منطقه ایجاد کرده است که باعث شده تا کشورهای منطقه تهدیدات امنیتی محیطی مشابهی داشته باشند و یک مجموعه امنیتی را حول این محور جغرافیایی شکل دهند. یکی از ائتلاف های عمده و اثرگذار درون مجموعه امنیتی خاورمیانه، ائتلاف محور مقاومت است که با توجه به آرمان ها، اهداف و منافع خود؛ عملکرد پیامد ساز و مهمی را در درون مجموعه امنیتی خاورمیانه بر جای نهاده است و بنابراین مطالعه وضعیت عملکرد و نقش آفرینی این ائتلاف کمک شایانی در درک بهتر آرایش سیاسی امنیتی ائتلاف های درون مجموعه امنیتی خاورمیانه خواهد بود. برای بررسی وضعیت منطقه ای با چنین پیوندهای امنیتی و پیش بینی آنچه در آینده ممکن است در این منطقه رخ دهد نیاز به ابزار تجزیه و تحلیل مناسب خواهد بود. یکی از این ابزارها، نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای^۳ از باری بوزان است. بنابراین برای فهم بهتر از مجموعه امنیتی خاورمیانه^۴ و درک بهتر موضوعات مختلف درباره این مجموعه نظریه امنیتی منطقه ای بوزان در ادامه مورد استفاده قرار می گیرد.

1. Middle East
2. Geo - Strategic
3. Regional Security Complex
4. Middle East Security Collection

بیان مسئله

همان‌طور که از مقدمات طرح‌شده در باب این موضوع پژوهشی برمی‌آید، مسئله اصلی پژوهش حاضر بدین ترتیب شناخت ائتلاف‌های این مجموعه امنیتی و تهدیدات موجود برای آن ائتلاف‌ها و نیز تبیین وضعیت نقش‌آفرینی ائتلاف محور مقاومت در میان ائتلاف‌های مجموعه امنیتی خاورمیانه هست. سؤال‌های اصلی پژوهش حاضر آن است که چه ائتلاف‌هایی در مجموعه امنیتی خاورمیانه وجود دارد؟ و ائتلاف محور مقاومت چگونه در مناسبات امنیتی مجموعه خاورمیانه نقش‌آفرینی کرده است؟ سؤال‌های فرعی نیز بدین ترتیب است که تهدیداتی که این ائتلاف با آن‌ها روبرو هستند چه ماهیتی دارند؟ و ثانیاً به‌طور خاص در کدام تحولات سیاسی - امنیتی مهم اخیر در منطقه خاورمیانه ائتلاف محور مقاومت نقش‌آفرینی عمده داشته است؟ از این‌رو، هدف پژوهشی ما پاسخ به این چهار سؤال و روشن‌سازی ائتلاف‌های موجود در مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر وضعیت نقش‌آفرینی و عملکرد ائتلاف محور مقاومت است. به دلیل بدیع بودن موضوع مورد بحث و عدم وجود ادبیات پژوهشی کافی در باب محور این مطالعه، اهمیت پژوهش حاضر از منظر نظری در تبیین هر چه بیشتر و مناسب‌تر برای کمک به غنای بحث مجموعه امنیتی خاورمیانه و نیز ائتلاف محور مقاومت به‌عنوان یک بحث مهم در سطوح دانشگاهی سیاسی داخلی کشور حائز بررسی ویژه بوده و برای پژوهشگران این حوزه علمی مورد انتفاع خواهد بود. از جهت اهمیت عملی موضوع نیز کار پژوهشی حاضر برای دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران قابل استفاده خواهد بود.

بررسی پیشینه پژوهش

به‌منظور ارزیابی دقیق منابع و فهم کاستی‌ها و خلأهای موجود که برطرف نمودن آن خالی از لطف و اهمیت نیست به آثار مرتبط با پژوهش حاضر در دو بخش مطالعات داخلی و خارجی موجود خواهیم پرداخت.

پیشینه داخلی

۱. در پژوهشی بانام «تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه

(۲۰۱۱-۲۰۱۵) نوشته سید امیر نیاکویی و علی اصغر ستوده (۱۳۹۴) که باهدف بررسی تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر تکامل مجموعه امنیتی خاورمیانه انجام شده است، یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که منازعات داخلی سوریه و عراق منجر به شکل‌گیری زیرمجموعه‌ای بزرگ‌تر با ادغام زیرمجموعه‌های شامات و خلیج فارس در قالب یک زیرمجموعه واحد شده است. این روند نتیجه پیوند عمیق پویش‌های امنیتی بین این دو زیرمجموعه است. در سطح روابط دولت با دولت این منازعات باعث بازسازی و تقویت الگوی پایدار منازعه و رقابت ایران با دولت‌های سنی مذهب خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی در قالب تقابل دو محور متضاد شده است.

۲. پژوهش دیگر با عنوان «پویش‌های امنیتی جدید و گذار ترکیه از مجموعه امنیتی بالکان-ترکیه به مجموعه امنیتی خاورمیانه» اثر علی اصغر ستوده و سید امیر نیاکویی (۱۳۹۷) به دنبال پاسخ به این پرسش است که پویش‌های امنیتی جدید خاورمیانه چه تأثیری بر شکل‌گیری اولویت‌ها و وابستگی‌های امنیتی جدید ترکیه داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پویش‌های امنیتی جدید خاورمیانه باعث گذار ترکیه از مجموعه امنیتی بالکان-ترکیه به مجموعه امنیتی خاورمیانه شده است و این گذار در دو دوره زمانی رخ داده است.

۳. در پژوهش بعد «بازخوانی انتقادی و تکمیلی نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بوزان در پرتو نظام منطقه‌ای خاورمیانه» نوشته نجمیه پور اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۹) سعی شده تا رویکردهای مجموعه امنیت منطقه‌ای بوزان با رویکردی بنیادی-نظری و تبیینی به تصویر کشیده شده و اصلاح شود. در این مقاله استدلال می‌گردد که ضروری و لازم است یک متغیر دیگر به نام مسئله و مشکل به نظریه پیچیده امنیت منطقه‌ای اضافه شود.

۴. پژوهشی با عنوان «مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویش‌ها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس» نوشته بهاره سازمند و مهدی جوکار (۱۳۹۵) با روشی توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای چه الگوهای روابطی در زیرمجموعه امنیتی خلیج فارس وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال گفته شده که به دلیل وجود شکاف‌های هویتی، اختلافات بر سر نفت، کشمکش‌ها برای برتری جویی و حضور عامل مداخله‌گر خارجی، شاهد الگوی رقابتی در روابط بین کشورهای این منطقه با یکدیگر هستیم.

پیشینه خارجی

۵. در پژوهشی با عنوان «محور در حال رشد، استراتژی منطقه‌ای در حال تحول ایران و مشارکت‌های غیردولتی در خاورمیانه» از برایان کاتز (۲۰۱۸) گفته شده که مداخله ایران در جنگ‌های سوریه، عراق و یمن قدرت و دامنه "محور مقاومت" و مشارکت چند دهه‌ای میان ایران، حزب‌الله و رژیم سوریه را دگرگون کرد. تهران جای پای نظامی، شرکای متعهد و نفوذ پایدار را در هر حوزه مورد طرح تأمین کرده است و انگیزه‌های ایران در طی هر درگیری تکامل می‌یابد. محور مقاومت به رهبری ایران ابتدا با اهداف دفاعی دفاع از متحدان آن کشور و حفظ موجودیت این محور آغاز شد و سپس به اهداف تهاجمی علیه رژیم مجعول اسرائیل، ایالات متحده و عربستان سعودی متمرکز شد که باعث ایجاد قدرت جدید نظامی، مشروعیت سیاسی و ذهنیت منطقه‌ای مشترک در میان شرکای ایران شد. این گروه‌ها تهران و یکدیگر را به‌عنوان شرکای میدان جنگ، متحدان ایدئولوژیک و جناح‌های جداگانه در یک جبهه مشترک منطقه‌ای می‌شناسند. همان‌طور که محورهای مرتبط با ایران تقویت و تکامل یافته‌اند، روابط آن‌ها نیز با تهران برقرار است. گروه‌های وابسته در یک طیف پویا از متحد به نیابتی با ایران همکاری می‌کنند که این امر به‌وسیله توانایی‌ها، تاریخچه و نفوذ این گروه‌ها در ایران تعیین می‌شود.

۶. پژوهش دیگر مقاله‌ای است تحت عنوان «خلیج فارس و یک سیستم امنیتی جدید خاورمیانه» اثر میشل یافه (۲۰۰۴) که بیان می‌کند دو مسئله مهم در این خصوص باید تجزیه و تحلیل گردد. اولین مورد مربوط به تأثیر احتمالی جنگ عراق در محیط امنیتی خاورمیانه است. مسئله دوم به این مورد می‌پردازد که آیا وضعیت فعلی ایجاد امنیت جدید را ضروری می‌کند یا خیر؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در اطلاعیه‌های اجلاس قول حمایت از تغییر در خاورمیانه را داده‌اند اما در مورد چشم‌انداز یک سیستم امنیتی جدید برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه توافق نشده است.

۷. پژوهش دیگر «بررسی سیاست خارجی ما در خاورمیانه به دنبال آینده» اثر سانا ناگوشی (۲۰۱۷) به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که استراتژی اتخاذ شده برای دستیابی به اهداف در سیاست خارجی در نزد دول اروپایی در آینده قابل تغییر است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در نقاط ژئوپلیتیکی نزدیک به رژیم مجعول اسرائیل، شاهد تصمیم تغییر نخبگان از سوی کشورهایمانند فرانسه، انگلستان و ترکیه و تغییر استراتژی آن‌ها بوده‌ایم.

۸. در پژوهشی با عنوان «منطقه نو ظهور و معماری امنیت خاورمیانه و مدیترانه شرقی» اثر مایکل هاراری (۲۰۱۷) این مسئله طرح شده است که در سال‌های اخیر و به‌ویژه از زمان بهار عربی، خاورمیانه تجربه تحول چشمگیری را تجربه کرده است و در واقع سیاست تغییر معماری امنیت در خاورمیانه برای حمایت از روندی است که از سال‌های اخیر آغاز شده است. روش پژوهش: پژوهش پیش رو تحقیقی از نظر هدف نظری و از نظر روشی تحلیلی است. بر اساس پیشینه پژوهش مکان گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات لازم با مراجعه به کتب، نشریات و وبگاه‌های علمی مرتبط، یادداشت‌برداری و فیش‌برداری، دسته‌بندی و به‌صورت خلاصه درآمده است.

چهارچوب نظری: چهارچوب نظری پژوهش حاضر، بهره‌گیری از نظریه مجموعه امنیتی باری بوزان^۱ است که وی به دلیل نارسایی مطالعات سنتی مطالعات امنیتی رویکرد جدیدی را ارائه داد. در این نظریه بوزان دو گام مهم در تحلیل مفهوم امنیت برداشت؛ نخست توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای بر پایه ماهیت رابطه امنیت و درک آن به‌عنوان یک پدیده به هم وابسته و نه صرفاً موضوع جدا از هم، و دوم ترسیم طیف کاملی از لایه‌های تحلیل. (داداندیش و کوزه‌گرچی، ۱۳۸۹: ۷۷) از دیدگاه بوزان، مجموعه امنیتی عبارت است از مجموعه‌ای از واحدها که فرآیند اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هردوی آن‌ها به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی نمی‌توانند به‌صورت منطقی جدای از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند یا حل و فصل شوند. در واقع، در این مجموعه، فرآیند عمده امنیت سازی یا ناامنی یا هردوی آن‌ها با مشکلات امنیتی واحدها با یکدیگر مرتبط است و علایق امنیتی آن‌ها به‌قدری زیاد است که امنیت ملی آن‌ها را نمی‌توان جدا از یکدیگر ملاحظه کرد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۶)

مؤلفه‌های اصلی یک مجموعه امنیتی

وابستگی متقابل امنیتی: منظور از وابستگی متقابل امنیتی آن است که تغییر و تحول امنیتی در هر یک از واحدهای مجموعه بر دیگر واحدها نیز تأثیر می‌گذارد. هم‌چنین وابستگی متقابل امنیتی می‌تواند مثبت (ایجابی) یا منفی (سلبی) باشد. (Buzan, 1991: 189-195)

1. Barry Buzan

الگوی دوست یا دشمنی: یعنی طیفی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت و هم‌چنین روابط سوءظن و هراس حاکم باشد. این الگوی دوستی یا دشمنی برخلاف نظریه نو واقع‌گرا، صرفاً تا حدودی به توازن قدرت ارتباط پیدا نمی‌کند. بلکه می‌تواند از اختلافات مرزی و ارضی، تمایلات قومی یک واحد نسبت به واحد دیگر، اختلاف یا اشتراک ایدئولوژیک و ارتباط مثبت یا منفی تاریخی ناشی شود. (کریمی، ۱۳۸۰: ۵۷)

وجود حداقل دو بازیگر قدرتمند: مجموعه امنیتی نمی‌تواند شامل تعدادی از کشورهای ضعیف باشد و شکل‌گیری آن با حضور حداقل دو قدرت منطقه‌ای مؤثر و چندین کشور ضعیف ممکن است.

استقلال نسبی: محدودیت قدرت، عامل مهمی در موجودیت روش‌های خودبسنده امنیت و در نهایت استقلال نسبی یک مجموعه امنیتی است. (Buzan, opcit)

مجاورت یا همسایگی: مجاورت سرزمینی از نظر بوزان برای موجودیت یک مجموعه امنیتی ملاک ارزشمندی است. با توجه به اینکه تهدیدات در فاصله‌های نزدیک شدت و نفوذ بیشتری دارند و کشورها از تهدیدات امنیتی در مجاورت خود بسیار نگران هستند، هرگونه کنش و واکنش را در دولت‌های همسایه زیر نظر دارند. حال اگر مجموعه امنیتی از دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، پدید آید؛ دو نتیجه مهم را در پی خواهد داشت. اول اینکه می‌تواند از حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای در کشورهای همسایه جلوگیری کند و دوم اینکه هیچ نگرانی از حضور مستقیم دولت همسایه و تجاوز به مرزهای سرزمینی خود نخواهند داشت. نزدیکی جغرافیایی کشورها هم ملاک است و وقتی که تهدیدات سیاسی و نظامی در حوزه جغرافیایی نزدیک باشد، اثرات آن بیشتر مشهود است. ایده اصلی در این نظریه این است که از آنجایی که تهدیدات آسان‌تر در فاصله‌های کوتاه در مقایسه با فواصل زیاد قابل انتقال است، وابستگی‌های متقابل امنیتی به‌طور معمول در این مجموعه‌ها بیشتر است. (Reynolds, 2009: 47) در مجموعه امنیتی، به‌ویژه در سطح منطقه‌ای وجود یک قدرت برتر نیز لازم است. قدرتی که سرتاسر منطقه را جزو محدوده امنیتی خود دانسته و دارای منافع اساسی در آن است و به مقابله با عواملی که منافع این کشور را تهدید می‌کنند می‌پردازد. (Buzan and wear, 2003: 47)

ابعاد پنج‌گانه امنیت

امنیت دارای ابعاد گوناگونی است و در ادامه به تعدادی از ابعاد مهم آن خواهیم پرداخت. **امنیت نظامی**^۱: قدرت نظامی با به خدمت گرفتن فناوری به توان و برتری خود می‌افزاید. با تحول در ابزار نظامی، انتظار می‌رود تا در امور دیگر مربوط به امنیت نظامی نیز تحولاتی روی دهد که با آن تحولات، تغییرات اساسی در ماهیت جنگ صورت خواهد پذیرفت. در صورتی که در گذشته تهدیدات نظامی ابزارهای نظامی و تسلیحاتی بودند، امروزه شکل‌های دیگری از آن مطرح هستند. همچنین گسترش ارتباطات و وابستگی فزاینده، تهدیدات نظامی امنیتی را جهانی کرده و مداخله فرا منطقه‌ای را تشویق می‌کند. از این رو می‌توان به تهدیدات نظامی جدید شامل تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، موشک‌های دوربرد و جنگ‌های غیرمتعارف اشاره کرد. (مختاری، ۱۳۷۹: ۲۹۵-۲۹۰)

امنیت اقتصادی^۲: در حوزه اقتصاد ماهیت رقابت‌آمیز و تهدید گونه‌ای این حوزه معرفی و تأکید شده است. مواردی همچون رقابت شدید خارجی، محدودیت واردات محصولات خارجی، دخالت در قیمت‌ها، مشکلات کسب اعتبار و انواع پرداخت دیون و فشار ناشی از آن در مجموعه تهدیدات بخش اقتصادی قرار دارند. در رویکرد رقابتی بودن ماهیت اقتصاد بخش اعظم تهدیدهای اقتصادی از حوزه تهدیدات امنیتی خارج شده و در مجموعه تهدیدات عمومی این حوزه قرار می‌گیرد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۱۳۲-۱۳۰)

امنیت سیاسی^۳: بعد سیاسی امنیت در دو بعد میزان اقتدار دولت‌ها، حکومت‌ها و ایدئولوژی سیاسی آن‌ها و میزان تحمل، انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های فرهنگی سنتی در بین ملت‌ها در نظر گرفته می‌شود. از این رو، بعد سیاسی امنیت شامل تغییرات ناشی از چارچوب متحول امنیتی در قالب گسترش دموکراسی، قدرت گرفتن جنبش‌های خودمختار و جدایی طلب فرو ملی، اختلافات سیاسی در بین رهبران، جابه‌جایی هویت سیاسی و رشد دیپلماسی چندجانبه است. (ماندل، پیشین: ۱۴۷-۱۴۸)

-
1. Military Security
 2. Economic security
 3. Political Security

امنیت اجتماعی^۱: امنیت اجتماعی به معنای توانایی یک جامعه برای حفظ خصوصیات اساسی خود در برابر تحولات و تهدیدات بالقوه یا بالفعل است. به طور اخص، امنیت اجتماعی به معنای دوام الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، کار جمعی، هویت و عادات مذهبی و ملی در چارچوبی مقبول برای رشد و تکامل است. از این رو، امنیت جامعه زمانی به خطر می‌افتد که جامعه احساس کند هویتش به خطر افتاده و درصدد حفاظت از آن برآید. در این صورت بندی، چیزی که باید از آن حفاظت گردد، جامعه یا هویت است نه دولت. (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۲۴-۳۲۵)

امنیت زیست محیطی^۲: در مطالعات نوین امنیتی مسائل زیست محیطی نیز مطرح می‌گردد. به طوری که اگر بحران زیست محیطی را مفهومی خارجی تصور کنیم، تصور فریب آمیزی است؛ زیرا همه انسان‌ها را تهدید می‌کند و وضعیت زیست محیطی یا وضع و حال کره زمین نیز هم‌پایه خطر جنگ، زاده سیاست‌های دولت‌هاست. برداشت اخیر از امنیت زیست محیطی حاکی از آن است که تخریب و کمبود محیط زیست ناشی از فعالیت‌های انسان، خطرات فیزیکی اساسی در بردارد. (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۲۱-۳۲۴)

امنیت منطقه‌ای و وابستگی متقابل امنیتی^۳: ایده وابستگی متقابل امنیتی دارای معانی مثبت و منفی است. نگرانی امنیتی نمی‌تواند به تنهایی تعریف شود یا قابل دسترسی باشد. (Itowsan, 1999:11) مجموعه امنیتی مسائل جانبی را برای بازیگران به همراه دارد. در مجموعه امنیتی اصل بر این است که اثرات جانبی نگرانی امنیتی کشورهای منطقه در ارتباط متقابل با یکدیگر می‌باشند. گرچه این مسئله به موضوع یا مشکل خاصی منتهی نمی‌شود. (Takahashi, 2000:104) نظریه مجموعه امنیتی در ارتباط با پویایی بخش‌های سیاسی و نظامی گسترش و توسعه یافت؛ زیرا تهدیدات در این بخش‌ها به راحتی قابل انتقال می‌باشند. وقتی مفهوم امنیت به بخش‌های اقتصادی و زیست محیطی کشیده شد، این‌که آیا وابستگی متقابل امنیتی این بخش‌های غیر سنتی می‌تواند در یک شکل منطقه‌ای صورت پذیرد، و اگر صورت پذیرفت آیا این امر می‌تواند به مناطق مشابه یا در مناطق مختلف تسری یابد یا خیر، شک و تردید ایجاد کرد.

1. Social Security
2. Environment Security
3. Security Interdependence

بنابراین، ضروری است مفهومی که هر دو جنبه سیاسی - نظامی و اقتصادی - زیست محیطی را در برداشته باشد شکل داده شود تا بتواند مفهوم دقیق امنیتی را گسترش دهد و از هر عاملی که موجب تضعیف مفهوم امنیتی می شود، اجتناب می کند. (Buzan and Weaver, opcit) بنابراین در امنیت منطقه‌ای، اعتقاد بوزان بر این است که امنیت این دولت‌ها به هم وابسته بوده و در عالم واقع نمی توان چهارچوب امنیتی آن‌ها را جدا از یکدیگر در نظر گرفت یا برای حل ناامنی کوشید. ساختارهای امنیت منطقه‌ای: ساختار مجموعه امنیتی می تواند در نتیجه تغییرات در توازن قدرت یا الگوی تغییرات تاریخی دوستی‌ها و دشمنی‌ها ایجاد شود. چهار ساختار را از مجموعه امنیتی می توان متصور بود:

حفظ وضع موجود^۱: جایی که تغییرات در توزیع قدرت یا الگوی دوستی و دشمنی، برای ساختار امنیتی ضروری است.

تغییرات داخلی^۲: جایی که تغییرات در داخل مرزهای مجموعه امنیتی صورت می گیرد.

تغییرات خارجی^۳: تغییرات در خارج از مرزهای مجموعه یا به دلیل ورود یک کشور جدید به مجموعه و یا خروج یکی از اعضاء از آن صورت می گیرد.

وجود یک قدرت با نیروی نظامی قوی تر^۴: اینکه حضور نظامی یک قدرت قوی تر در بین کشورهای ضعیف می تواند مانع پویایی‌های عادی امنیتی منطقه گردد. (Palonkorpi, 2006:9)

بحث و بررسی

ائتلاف‌های مجموعه امنیتی خاورمیانه: تحولات جاری در خاورمیانه از فراگیری تنش‌ها در این منطقه نشان دارد که بستر لازم را برای ائتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای فراهم کرده است. ائتلاف و اتحاد سازی یکی از مهم‌ترین راهبردهای بازیگران مجموعه امنیتی خاورمیانه است. نظریه ائتلاف‌سازی تحت تأثیر نظریه بازی‌ها بر این باور است که دولت‌ها صرفاً برای پیروزی (کسب فایده و امتیاز) اقدام به ایجاد اتحاد می نمایند. در این وضعیت، شکل مطلوب توزیع

1. Maintain The Status quo
2. Internal Changes
3. External Changes
4. Superior Military Power

منافع و امتیازات در داخل اتحاد به صورت کاملاً متفاوت است. برای ائتلاف‌سازی تعاریف متعددی مترتب شده است که در یکی از مهم‌ترین تعاریف لاو و اسپنسر در مقاطع زمانی مختلف به ضرورت همکاری و ائتلاف با سایر بازیگران تأکید داشته و می‌توانند فرآیندهایی را پیگیری کنند که منجر به تحرک سیاسی و تنوع در فرآیند کنش استراتژیک باشد. (احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۶)

مجموعه امنیتی خاورمیانه تمامی مؤلفه‌های یک مجموعه امنیتی که در بالا به آن اشاره شد را دارا است و ساختارهای امنیت منطقه‌ای هم راجع به این منطقه صدق می‌کند. اما در اینجا به دنبال شناسایی ائتلاف‌های سیاسی - امنیتی در این مجموعه امنیتی هستیم.

ائتلاف محور مقاومت^۱: محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای، مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران، عراق و سوریه) و غیردولتی (حزب‌الله لبنان، انصارالله و حماس) است که منافع مشترک ملی و ایدئولوژیکی دارند و تلاش می‌کنند با سیاست‌های مستقلان و مقاومت محور خود در مجموعه امنیتی خاورمیانه نقش ایفاء کنند. (رضا خواه، ۱۳۹۲: ۱)

جمهوری اسلامی ایران^۲ (هسته محور مقاومت): جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر گفتمان اسلامی و با شعار «نه شرقی، نه غربی» علاوه بر اینکه نظام سلطه را به عنوان بزرگ‌ترین دشمن خود معرفی کرد یک مجموعه غنی از ارزش‌های فرهنگی و یک شیوه زیست اجتماعی متفاوت نیز بود که مورد توجه ملت‌ها قرار گرفت و موجب پیدایش و رشد طیف‌های جدیدی از مقاومت گردید. (شفیعی و مرادی، ۱۳۸۵: ۳۳)

عراق^۳ (گهواره تمدن محور مقاومت): الگوی مردم‌سالاری عربی در عراق به عنوان کشوری عربی که انتخاب الگوی غربی در آن نهادینه شده است و از آن طریق به قدرت‌گیری شیعیان و روی کار آمدن افراد و گروه‌های غیرهمسو با آمریکا و رژیم مجعول اسرائیل منجر شده و از منظر دیگر همکاری عراق با محور مقاومت می‌تواند مسئله امنیتی را برای سایر ائتلاف‌ها به وجود آورده و منافع آن‌ها را به خطر اندازد. (قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۲)

1. Coalition Axis Of Resistance
2. Islamic Republic of Iran
3. Iraq

سوریه^۱ (پل لجستیک محور مقاومت): سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی خود یکی از مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود که توانسته است در چند دهه اخیر نقش مهمی در روند تحولات منطقه‌ای ایفاء کند. لذا این کشور جایگاه ویژه‌ای را در محور مقاومت دارد. سوریه یکی از کشورهایی است که در خط مقدم مقابله با نظام استکبار و رژیم مجعول اسرائیل قرار دارد. (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴)

حزب الله لبنان^۲ (نماد ایستادگی و پایداری محور مقاومت): حزب الله لبنان به‌عنوان یکی از اعضای قدرتمند محور مقاومت همواره روابط نزدیک و تنگاتنگی با سایر اعضای به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران داشته است. سیاست‌های حزب الله به‌عنوان یک ضلع حلقه مقاومت همواره در جهت نزدیکی و کمک به سایر اعضای جبهه مقاومت بوده است. (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳)

انصار الله یمن^۳ (طاووس محور مقاومت): ژئوپلیتیک یمن و به‌خصوص موقعیت ویژه تنگه باب المندب که مسیر عبور محموله‌های نفتی است امتیازات خاصی را برای محور مقاومت ایجاد کرده است. از طرف دیگر یمن به یکی از حوزه‌های مهم امنیتی در خاورمیانه تبدیل شده و انصار الله یمن به لحاظ معنوی و امنیتی وابستگی زیادی به محور مقاومت و مخصوصاً جمهوری اسلامی ایران پیدا کرده است.

حماس^۴ (ضلع ششم محور مقاومت): حماس همواره در مسیر مقاومت و مبارزه برای نجات کشور فلسطین از اشغال رژیم مجعول اسرائیل قرار داشته است. حفظ مقاومت مسلحانه علیه اسرائیلی‌ها علاوه بر اینکه هدف محوری حماس به شمار می‌رود اصلی‌ترین عامل موجودیت این جنبش در ائتلاف محور مقاومت است. (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴)

ائتلاف بلوک سنی^۵: از منظر بسیاری از تحلیل‌گران هدف اصلی ایجاد این ائتلاف رفع مشکلات و درگیری‌های داخلی جهان تسنن برای مواجهه با مشکل بزرگ‌تری به نام محور مقاومت

1. Syria
2. Hezbollah Lebanon
3. Ansarullah Yemen
4. Hamas
5. Sunni Bloc Collection

و هلال شیعی است. بزرگ‌ترین نگرانی این ائتلاف جمهوری اسلامی شیعه و محور مقاومت آن با تمرکز بر یمن است. لذا بر همین اساس تلاش برای ائتلاف سنی‌ها به دغدغه اصلی عربستان جهت مقابله با ایران و محور مقاومت بدل شده است.

عربستان سعودی^۱ (طراح و پایه‌گذار ائتلاف بلوک سنی): عربستان سعودی کوشیده است تا نفوذ منطقه‌ای خود را در خاورمیانه افزایش دهد. واقعیت آن است که عربستان در تمامی سال‌های گذشته در گرانیگاه‌های مختلف در مسیر ائتلاف‌سازی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت حرکت کرده است. در همین راستا، با برگزاری نشست‌های مختلف درون عربی و حتی بین‌المللی، تلاش‌های خود را برای ائتلاف‌سازی در مجموعه امنیتی خاورمیانه آغاز کرده است. (احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۸)

اردن^۲ (نماد زندگی در ائتلاف بلوک سنی): اردن علی‌رغم پیوندهای نزدیک با عربستان، مایل نیست نقش پررنگ و مهمی را در این ائتلاف بازی کند. اما در زمینه همکاری‌های اطلاعاتی و فراهم کردن فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی توان خود را در اختیار ائتلاف بلوک سنی قرار می‌دهد.

امارات متحده عربی^۳ (بلندپرواز ائتلاف بلوک سنی): امارات متحده عربی در سال‌های اخیر با همکاری در ائتلاف بلوک سنی به‌ویژه حمایت‌های خود در جنگ علیه انصار الله یمن اهداف بلندپروازان‌ای را دنبال کرده است و به نظر می‌رسد هدف این کشور از حضور در این ائتلاف چیزی جز انگیزه‌های سطح منطقه‌ای نیست.

مصر^۴ (نیروی لجستیکی بلوک سنی): سهم مصر از پیوستن به ائتلاف مذکور، بیشتر در جبهه‌های عقیدتی و لجستیکی است. الازهر برجسته‌ترین نهاد آموزشی در جهان سنی است. مصر همچنین به دنبال این بوده است که عبور هواپیماهای ائتلاف از حریم هوایی خود را تسهیل کند و به‌عنوان یک منبع پوشش اطلاعاتی و سیاسی برای متحدان خود در آن ائتلاف کار کند.

1. Saudi Arabia
2. Jordan
3. United Arab Emirates
4. Egypt

ائتلاف دفاکتو عبری - عربی^۱: رژیم مجعول اسرائیل و عربستان سعودی دو کشور مهم در منطقه محسوب می‌شوند که اتحاد آن‌ها می‌تواند نظم و ساختار امنیتی منطقه را تغییر دهد. ائتلاف دفاکتو بین رژیم مجعول اسرائیل و عربستان سعودی موسوم به «ائتلاف عبری - عربی» مبین این واقعیت است که این ائتلاف باهدف مشترک «مقابله با محور مقاومت» در بین مؤسسين خود شکل گرفته است.

رژیم مجعول اسرائیل^۲ (طرف عبری ائتلاف دفاکتو): حمایت از اقدامات گروه‌های تروریستی نظیر داعش و ترغیب آمریکا جهت افزایش فشار و تحریم‌های سنگین اقتصادی علیه محور مقاومت و همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی گروه‌های معاند و تروریستی در دید کشورهای محور مقاومت از جمله اقدامات رژیم مجعول اسرائیل در این ائتلاف است. (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۸)

عربستان سعودی (طرف عربی ائتلاف دفاکتو): عربستان عمدتاً به دنبال ایجاد تعارضات فرقه‌ای و هویتی به‌عنوان ابزاری جهت مقابله با محور مقاومت، به‌خصوص ایران بوده است. علاوه بر این، عربستان سیاست پان‌عربیسم مذهب محور را هم دنبال کرده است. این کشور سعی دارد تا با همراهی رژیم مجعول اسرائیل در این ائتلاف ایدئولوژی فرقه محور را به‌پیش برده و جهان اسلام را دوقطبی کند. (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۹)

تهدیدات مجموعه امنیتی خاورمیانه: نکته بسیار مهمی که راجع به مجموعه امنیتی خاورمیانه وجود دارد این است که ائتلاف‌های این مجموعه امنیتی همگن نیستند و زیرمجموعه‌های این مجموعه امنیتی با یکدیگر فعالیت نمی‌کنند و مدام در حال ایجاد تهدید برای یکدیگر می‌باشند. این ویژگی دقیقاً در تقابل با سایر مجموعه‌های امنیتی است.

تهدیدات علیه ائتلاف محور مقاومت

تغییر موازنه قدرت و ساختار امنیتی منطقه: یکی از جنبه‌های قابل توجه تهدید علیه ائتلاف محور مقاومت از سوی سایر ائتلاف‌ها تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای است. واقعیت آن است که علی‌رغم توانمندی محور مقاومت، سیاست‌های سایر ائتلاف‌ها موانع و مشکلاتی را برای

1. De facto Hebrew – Arabic Coalition

2. Israel

محور مقاومت ایجاد کرده و شرایط همکاری اعضای این ائتلاف با یکدیگر را دشوار ساخته است.

تشدید اختلافات فرقه‌ای - هویتی در ائتلاف محور مقاومت: اختلافات فرقه‌ای همواره یکی از مؤلفه‌های شکل دهنده ژئوپلیتیک خاورمیانه بوده که منشأ آن را می‌توان عمدتاً در سیاست‌های سایر ائتلاف‌ها علیه محور مقاومت جست‌وجو کرد. مسئله‌ای که در این زمینه محور مقاومت را تهدید می‌کند این است که جدال‌های فرقه‌ای و هویتی باعث استهلاک قدرت کشورهای این محور شده و در نهایت موجب تجزیه این ائتلاف می‌تواند باشد.

تسری ناامنی و بحران‌زایی در کشورهای ائتلاف محور مقاومت: سیاست‌های منطقه‌ای محور مقاومت سبب تهدید امنیت سایر ائتلاف‌ها شده و آن‌ها را به این دیدگاه مشترک رسانده است که جهت مقابله با محور مقاومت می‌بایست بحران و ناامنی را به داخل خاک کشورهای این ائتلاف تسری دهند. به عبارتی، سایر ائتلاف‌ها تلاش کرده‌اند تا با شیوه‌های گوناگون، محیط داخلی کشورهای محور مقاومت را ناامن کرده تا بدین ترتیب، شدت و حدت فعالیت‌های برون مرزی آن‌ها را تا حدی تعدیل کنند.

تقویت شیعه‌هراسی: شیعه‌هراسی و دشمن‌پنداری هلال شیعی هم علت و هم معلول سایر ائتلاف‌سازی‌ها محسوب می‌شود. به عبارتی بهتر، ترس از شیعه به‌ویژه بعد از تحولات بیداری اسلامی و موج خیزش‌ها در کشورهای عربی، سبب شده تا ائتلاف‌های دیگر مجموعه امنیتی خاورمیانه جهت دستیابی به اهداف خود پروژه شیعه‌هراسی را به شدت تقویت کنند.

تهدیدات علیه ائتلاف بلوک سنی و ائتلاف دفاکتو

ایجاد گفتمان مقاومت: محور مقاومت اعتقاد دارد که اگر جهان در قرن‌های متمادی عرصه غلبه سلطه‌گران بوده است، دیگر این به حاشیه رفتگان هستند که با تکیه به آرمان‌های اسلامی از حاشیه به متن آمده‌اند و مدعی رهبری امور و داشتن حق تعیین سرنوشت خویش هستند. گفتمان مقاومت را می‌توان در دودسته طبقه‌بندی کرد: بخش اول نفی یا سلبی و بخش دوم اثباتی و ایجابی. در مرکز بعد سلبی گفتمان مقاومت سلطه‌ستیزی قرار دارد و مهم‌ترین وجوه بعد سلبی گفتمان مقاومت عبارت است از عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، صلح‌طلبی، معنویت‌گرایی و مصلحت‌گرایی. (محمودی رجا، ۱۳۹۷: ۱۶)

تلاش برای برقراری حکومت اسلامی: محور مقاومت ضمن طرد ایدئولوژی نظام سلطه، خود حامل ایدئولوژی اسلامی است که در تضاد با ایدئولوژی هژمون قرار دارد. در واقع محور مقاومت با ترویج ایدئولوژی اسلامی یکی از مهم‌ترین شرایط اثبات هژمون را در منطقه به چالش کشیده است. هدف نهایی محور مقاومت استقرار حاکمیت الله به جای حاکمیت جاهلیت و طاغوت در جوامع اسلامی است. (محمودی رجا، ۱۳۹۷: ۱۸)

تأکید بر گفتمان شیعی: محور مقاومت با تأکید بر مؤلفه‌های مذهب شیعه که در تضاد با سایر ائتلاف‌ها قرار دارد، قدرت آن‌ها را به چالش کشیده است. در واقع محور مقاومت با ایستادگی بر شیعه بودن خود ثبات دیگر ائتلاف‌ها را به خطر انداخته است.

مبارزه با رژیم مجعول اسرائیل: مهم‌ترین وجه بارز جریان مقاومت مبارزه با رژیم مجعول اسرائیل است. محور مقاومت موجودیت خود را بیش از هر چیز مدیون مقابله با رژیم مجعول اسرائیل و تلاش در جهت اخراج آن از منطقه می‌داند. در واقع محور مقاومت همواره رژیم مجعول اسرائیل را به عنوان دشمن بلامنازع خود تلقی می‌کند و هرکدام از اعضای محور مقاومت که مورد حمله رژیم مجعول اسرائیل قرار گیرند، سایر اعضای جبهه مقاومت، به شکلی کاملاً صریح و مستقیم به حمایت از محور مقاومت وارد عمل می‌شوند. (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷)

محور مقاومت در آینه تحولات جریان ساز اخیر در درون مجموعه امنیتی خاورمیانه ائتلاف محور مقاومت و جنبش‌های مردمی فلسطین: نخستین تأثیر ائتلاف محور مقاومت در مناسبات مجموعه امنیتی خاورمیانه، تأکید بر ضرورت دفاع از مردم فلسطین است. در واقع حمایت‌های محور مقاومت از لبنان، فلسطین و جنبش حماس را می‌بایست در راستای عملیاتی کردن اصول این ائتلاف دانست. هدف محور مقاومت در فلسطین استقرار یک جامعه اسلامی با محوریت امت اسلامی است که این امر تأثیرات مهمی در سطح مجموعه امنیتی خاورمیانه بر جای گذاشته است.

قدرت‌گیری شیعیان عراق به واسطه ائتلاف محور مقاومت: دومین صحنه تأثیرگذاری ائتلاف محور مقاومت در مجموعه امنیتی خاورمیانه به کشور عراق برمی‌گردد. جایی که با رشد محور شیعه در این کشور، ائتلاف محور مقاومت نیز نفوذ قابل توجهی در عراق پیدا کرده است. قدرت گرفتن شیعیان در عراق مسائل امنیتی متعددی را برای عربستان سعودی و ایالات متحده

به وجود آورده است و منافع ریاض و واشنگتن را به خطر انداخته است؛ چراکه این امر به معنای سرآغازی برای نفوذ مقاومت در منطقه و قدرت گیری این ائتلاف به عنوان تشکلی غیرهمسو و دارای ضدیت با غرب و ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه است.

ائتلاف محور مقاومت و مسئله سوریه: محور مقاومت با عنایت به اهمیت، نقش و جایگاه مردم سوریه در تعیین سرنوشت سیاسی خود این مسئله را به جای طرح راه حل نظامی مورد عنایت داشته و راه حل سیاسی را که حتی از جانب ایالات متحده حمایت می شود مورد تأکید قرار داده است. در این راستا بیرون راندن داعش و حفظ حاکمیت مشروع و قانونی حاکم در سوریه از مهم ترین تأثیرات محور مقاومت در منطقه بوده و به عقیده کارشناسان حوزه مسائل امنیتی بزرگ ترین دستاورد امنیتی برای این ائتلاف نیز به شمار می آید.

مسئله قیام های مردمی و ائتلاف محور مقاومت: در جریان قیام های مردمی، محور مقاومت بر موضوع مردم سالاری تأکید داشته است. با گسترش بیداری اسلامی در منطقه، اشتباه بودن انگاره هایی که غرب و ایالات متحده در طول سالیان گذشته برنامه های خود را بر مبنای آن ها تنظیم کرده بودند، محرز گردید. به این ترتیب با افزایش نقش و جایگاه قیام های مردمی منطقه، پیروزی های بزرگی نصیب ائتلاف محور مقاومت شد و موجب توسعه گفتمان این ائتلاف در منطقه گردید.

ائتلاف محور مقاومت و موفقیت انقلابیون یمن: محور مقاومت با الهام بخشی معنوی و دینی خود در کنار حمایت های پشتیبانی محور خویش از انقلابیون یمن در جریان مبارزه با سلطه عربستان سعودی در صحنه تحولات یمن نقش آفرینی داشته است. پیروزی انقلابیون یمن در این منازعه مهم در آن سرزمین بسیاری از معادلات سیاسی - امنیتی مدنظر ائتلاف سعودی را بر هم زده است و یک وزنه مهم در قدرت سنجی محور مقاومت در مجموعه امنیتی خاورمیانه به حساب می آید.

در مجموع و بعد از تبیین نقش ائتلاف محور مقاومت در مهم ترین تحولات معاصر منطقه خاورمیانه می توان بر این ادعا که ائتلاف محور مقاومت آرایش سیاسی - امنیتی خاورمیانه را دستخوش تغییر شگرف و پیامد سازی نموده است؛ صحنه گذاشت. به طوری که می توان این گونه گفت که محور مقاومت با تأثیرگذاری مثبت در هر یک از این تحولات نام برده اعتبار و قدرت سیاسی - امنیتی چشمگیری به نسبت سایر ائتلاف ها دست و پا کرده است.

نتیجه‌گیری

واقعیت آن است که مجموعه امنیتی خاورمیانه برخلاف مجموعه امنیتی اتحادیه اروپا، همگن نیست و ائتلاف‌های درونی آن نه تنها با یکدیگر همکاری و تعامل ندارند بلکه مدام یکدیگر را مورد تهدید قرار می‌دهند. بنابراین به دلیل وجود ابعاد گسترده تحولات مجموعه امنیتی خاورمیانه به نظر می‌رسد نظریه مجموعه امنیتی بوزان، روشن‌ترین و جامع‌ترین تحلیل را از وقایع خاورمیانه و نحوه عملکرد هر یک از این ائتلاف‌ها ارائه می‌دهد. در جهت پاسخ‌دهی به سؤال اصلی پژوهش که شناسایی ائتلاف‌های موجود در مجموعه امنیتی خاورمیانه بوده است، یافته‌های پژوهشی بر آن دلالت دارد که سه ائتلاف عمده و جریان ساز در درون این مجموعه امنیتی قابل شناسایی است که شامل الف) ائتلاف محور مقاومت، ب) ائتلاف بلوک سنی و پ) ائتلاف دفاکتو عبری - عربی می‌باشند. ائتلاف محور مقاومت شامل بازیگران دولتی از جمله ایران، عراق و سوریه و بازیگران غیردولتی از جمله حزب الله لبنان، انصار الله یمن و حماس است که بر اساس منافع مشترک ملی و یا ایدئولوژیک (شیعی) گرد یکدیگر آمده‌اند. ائتلاف دیگر، ائتلاف بلوک سنی متشکل از عربستان سعودی، اردن، امارات متحده عربی و مصر به‌عنوان بازیگران اصلی و عمده آن ائتلاف و باهدف تأمین منافع جهان تسنن و مقابله با قدرت گیری و نفوذ محور مقاومت و هلال شیعی در منطقه خاورمیانه است. واپسین ائتلاف نیز ائتلاف دفاکتو عبری - عربی متشکل از رژیم معجول اسرائیل و عربستان سعودی است که این ائتلاف نیز علیه قدرت گیری محور مقاومت عمل می‌کند. در وهله بعدی نیز تهدیدات موجود در بین ائتلاف‌های شناسایی شده در مجموعه امنیتی خاورمیانه که در دو جناح کلی به محور مقاومت با ایدئولوژی اسلامی شیعی و محور مخالفین آن با ایدئولوژی اسلامی سنی و یا عبری - اسرائیلی تقسیم‌بندی می‌گردند مورد تبیین قرار گرفته است که در دودسته بدین ترتیب می‌باشند. الف) تهدیدات علیه ائتلاف محور مقاومت: ۱) تغییر موازنه قدرت و ساختار امنیتی منطقه ۲) تشدید اختلافات فرقه‌ای - هویتی در ائتلاف محور مقاومت ۳) تسری ناامنی و بحران‌زایی در کشورهای ائتلاف محور مقاومت ۴) تقویت شیعه‌هراسی. ب) تهدیدات علیه ائتلاف بلوک سنی و ائتلاف دفاکتو: ۱) ایجاد گفتمان مقاومت ۲) تلاش برای برقراری حکومت اسلامی ۳) تأکید بر گفتمان شیعی ۴) مبارزه با رژیم معجول اسرائیل. نهایتاً در بحث محور مقاومت بایستی عنوان داشت که در پژوهش حاضر با مطالعه اجمالی نقش محور مقاومت در برخی از تحولات عمده و جریان

ساز اخیر در منطقه امنیتی خاورمیانه، بر این مدعا که ائتلاف محور مقاومت با تأثیرگذاری مثبت خود در هر یک از این تحولات آرایش سیاسی - امنیتی مجموعه امنیتی خاورمیانه را دستخوش تغییر کرده و اعتبار و وزنه سیاسی - امنیتی مهمی به نسبت سایر ائتلاف‌ها برای خود دست‌وپا نموده است، صحنه نهاده شد.

منابع

۱. میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹). نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه باقر العلوم (ع)، دوره ۳، شماره نهم، صفحات ۱۴۲-۱۳۳.
۲. مختاری، مجید (۱۳۸۱). گفتمان امنیت ملی: جهانی شدن، تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب چاپ ۱، جلد ۱.
۳. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۷). تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر تهران، چاپ ۱.
۴. ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشگرده مطالعات راهبردی، چاپ ۳.
۵. تریف، تری و کرافت، استیوارت و مورگان، پاتریک و جیمز، لوسی (۱۳۸۴). مطالعات امنیتی نوین، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، چاپ ۱.
۶. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صفحات ۳۴-۵.
۷. بوران، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، مترجم پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشگرده مطالعات راهبردی، چاپ ۱.
۸. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰). تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها، سیاست دفاعی، دوره ۱۰، شماره ۳۴، صفحات ۷۲-۴۷.
۹. اختیاری امیری، رضا و رشیدی، احمد و سلطانیان، عبدالله (۱۳۹۹). ائتلاف دوفاکتوی عبری - عربی و امنیت ملی ج. ا. ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۹، شماره ۱، صفحات ۱۲۵-۱۰۱.
۱۰. عباسی، مجید و حبیبی، سید مهدی و پارسا، سارا (۱۳۹۲). نظریه موازنه تهدید: دلایل

- ساختاری شکل‌گیری و گسترش اسلام سیاسی و مقاومت اسلامی در خاورمیانه، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۲۴، صفحات ۱۳۶-۱۱۵.
۱۱. سازمند، بهاره و جوکار، مهدی (۱۳۹۵). مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویش‌ها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۲، شماره ۲، صفحات ۱۷۱-۱۵۱.
۱۲. سورتچی، محمد رضا (۱۳۹۲). بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران بر امنیت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، مجله سیاست دفاعی، دوره ۲۲، شماره ۸۵، صفحات ۳۱-۱.
۱۳. احمدزاده، داوود و برزگر، کیهان و احمدی، حمید و اطهری مریان، اسدالله (۱۳۹۸). سناریوهای بدیل جمهوری اسلامی ایران در تقابل با ائتلاف‌سازی منطقه‌ای عربستان در میان کشورهای عربی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۴۰، صفحات ۲۲-۱.
۱۴. سهرابی، محمد و جنتی، احسان (۱۳۹۴). اولویت‌های سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل در فضای نوین منطقه‌ای، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۳۱، صفحات ۱۷۴-۱۴۱.
۱۵. نیاکونی، سید امیر (۱۳۹۲). بررسی بحران‌های سوریه و عراق در پرتو نظریه‌های امنیتی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۹۵-۱۱۵.
۱۶. بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۸). مناطق و قدرتها، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ ۱.
۱۷. نیاکونی، سید امیر و ستوده، علی اصغر (۱۳۹۴). تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۴، شماره ۱۵، صفحات ۱۷۷-۱۵۳.
۱۸. داداندیش، پروین و کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۹). بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی قفقاز جنوبی، فصلنامه راهبرد، دوره ۱۹، شماره ۵۶، صفحات ۱۰۷-۷۳.
۱۹. قهرمان پور بناب، رحمان (۱۳۸۵). معرفی کتاب مناطق و قدرتها: ساختار امنیت بین‌الملل (باری بوزان و الی ویور)، فصلنامه امنیت، دوره ۱۸، شماره ۲، صفحات ۱۹۲-۱۸۵.

۲۰. صفوی، سید حمزه و نبوی، سید مهدی (۱۳۹۴). تأثیر بحران سوریه بر مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا، فصلنامه منافع ملی، دوره ۱، شماره ۲، صفحات ۳۳-۵۱.
21. Buzan, Barry (1991). **People, state and fear: An Agenda For International Security Studies In The Past Cold War Era**, London, Harvester; wheat sherf Publication
 22. Reynolds, Julius D.A (2009). **(An Empirical Application Of Regional Security Complex Theory: The Securitization Discourse iu Chinas Relations With Central Asia And Russia)**, Central Europea University. Available at; <http://www.etd.cea.hu/2009/.pdf>
 23. Buzan Barry and Ole Weaver (2003). **Regions And Powers: The Structure Of International Security**, Cambridge University Press
 24. Palonkorpi Mikko (2009). **Energy Security And The Regional Security Complex Theory**, Aleksanteri Instiude/ University Of Helsinki, Available at: <http://busieco.samnet.sdu.uk/politics/nisa/papers/palonkorpi.pdf>
 25. Fahlander Patrick (2011). **Regional Security In The Persian Gulf Indications**
 26. Soage Ana (2020). **The Conservative-Resistance Camp: The Axis Of Resistance**, In Book: *The Regional Order in The Gulf Region and The Middle East* (pp.95-129)
 27. Brian Katz (2018). **Axis Rising, Irans Evolving Regional Strategy And Non-State Partnerships in The Middle East**, CSIS: Center For Strategic & International Studies.
 28. Ewan Stein (2017). **Ideological Codependency And Regional Order: Iran, Syria and The Axis Of Refusal**, Published By Cambridge University Press.
 29. Takashi Sugio (2000). **Redefinition Of Cooperative Security And Regional Security In The Asia- Pacific**, NIDS Security Reports No1.
 30. Palonkorpi Mikko (2009). **Energy Security And The Regional Security Complex Theory**, Aleksanteri institute / University Of Helsinki.
 33. Liddel Hart, B.H (1987). **Strategy: The Indirect Approach**, 6 Edition, London: Faber, p.334.

